

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: بابک آزاد

۲۷ مارچ ۲۰۱۲

قتل عام مردم افغانستان،

ننگ دیگری بر پیشانی امپریالیسم و ارتجاع!

فاجعه قتل عام ده ها کودک و زن و مرد افغان در منطقه "پنجوایی" استان [ولایت] قندهار توسط نیروهای اشغالگر امریکائی، یک بار دیگر چهره واقعی و سیاه امپریالیسم و ارتش جنایتکار امریکا در افغانستان را در مقابل جهانیان به نمایش گذارد و خشم و نفرت عمومی را برانگیخت. بامداد روز یکشنبه ۲۱ اسفند ماه [حوت] نیروهای امریکائی از پایگاه ارتش اشغالگر این کشور در منطقه "پنجوایی" خارج شده و در یک جست و جوی خانه به خانه با قساوت تمام ۱۶ تن از روستائیان بیگناه افغان شامل ۹ کودک و سه زن را قتل عام کرده و اجساد برخی از آنان را با ددمنشی تمام سوزاندند. در جریان این جنایت تعدادی از اهالی زخمی شدند. این خبر خشم و نفرت اهالی محل و تمامی انسان های با وجدان و آزاده جهان را برانگیخت. فرماندهان ضد خلقی ناتو و ارتش اشغالگر امریکا با دستپاچگی کوشیدند تا با کمک گرفتن از کوشش بی دریغ وسایل ارتباط جمعی دروغ پرداز غرب، این عمل جنایتکارانه را "اقدام فردی" و "جنون آسای" یک گروه بان امریکائی جلوه دهند که درحالی که "مست" بوده، بدون اطلاع فرماندهانش از پایگاه بیرون رفته و با خونسردی تمام وارد خانه های اهالی شده و پس از کشتن و سوزاندن جسد زنان و کودکان، دوباره به لانه خویش بازگشته و خود را به فرماندهانش "تسلیم" کرده است. اما این دروغ آشکار با خشم و نفرت هر چه گسترده تر اهالی محل روبرو شد که در حالی که با چشمانی اشکبار و اندوهی جانگداز مشغول جمع کردن و انتقال بقایای برخی اجساد سوزانده شده عزیزان شان بودند، به خبرنگاران توضیح دادند که در این جنایت سازماندهی شده، "گروهی" از سربازان مزدور امریکائی شرکت داشتند.

کشتار زنان و کودکان افغان، تجربه دردناک دیگری است که بر دیگر جنایات ارتش امریکا در افغانستان اضافه شد، و مسلماً آخرین آن ها هم نخواهد بود. چنین جنایاتی نه به خاطر "جنون" یک گروه بان و "مست" بودن وی بلکه روندی است که درست به دلیل مقاومت مردم رنج دیده و مورد تهاجم امپریالیستی قرار گرفته افغانستان در مقابل نیروهای اشغالگر تا زمانی که نیروهای امریکائی و دیگر نیروهای سرکوبگر امپریالیست ها آن کشور را به اشغال خود در آورده اند، مدام به وجود آمده و در آینده هم به وجود خواهد آمد. همین جنایت و جنایت های نظیر آن

که مدام رخ می دهد، نشان دهنده آن است که ارتش های امپریالیست ها به رغم ادعاهای فریبکارانه شان هر کجا که پا می نهند، همان طور که در این کشور و در عراق ثابت کرده اند، چیزی جز مرگ و نیستی و تشدید چپاول و سرکوب خلق های تحت ستم به ارمغان خواهند آورد.

در رابطه با جنایت اخیر، به اساس گزارش روستائیان مورد تهاجم قرار گرفته شده، سربازان امریکائی، بدون هیچ خطاری وارد سرپناه روستائیان شده به دو زن "تجاوز" کرده و سپس با تیراندازی دیوانه وار، قربانیان خود را به قتل رسانده و سر آخر نیز با اعمال ددمنشایی مختص دوره بربریت، اجساد برخی از قربانیان را در همان محل به آتش کشیده اند. این جنایت غیر قابل توصیف، مقامات ضد خلقی دولت های امپریالیستی را واداشت تا برای جلوگیری از رسوائی هر چه بیشتر، به صحنه آمده و با فریبکاری تمام سعی در لاپوشانی جنایت تازه سربازان خود کنند. اوباما این عمل را "تراژیک" و "شوکه آور" خواند ولی بلافاصله تأکید کرد که به سربازان امریکائی و "زحمات" آنان "افتخار" می کند. رهبر جمهوری خواهان در کنگره نیز با خونسردی و شقاوت خاص جنایتکاران این کشتار را یک "حادثه" خواند که در اثر "فشارهای روحی" روی "سربازان" امریکائی اتفاق افتاده است! واضح است که معنی این توجیهات و قدر دانی از "زحمات" ارتش امریکا از طرف سران نیروهای جنایتکار در افغانستان جز به معنی اصرار بر تداوم اشغال آن کشور در جهت حفظ منافع امریکا در افغانستان نیست. کما این که بلافاصله پس از اظهار نظرهای فوق، مقامات دولت های امپریالیستی اشغال کننده افغانستان، یکی پس از دیگری تأکید کرده اند که حادثه جنایتکارانه اخیر سربازان امریکائی، به هیچ وجه تغییری در موضع دولت های آنان در مورد "جدول زمانی" ترک افغانستان نخواهد داد. چنین موضع گیری در شرایطی اتفاق می افتد که نتایج سال ها اشغال و جنگ ضد خلقی در افغانستان روحیه ضد جنگ در افکار عمومی کشورهایی که ارتش آن ها در افغانستان مستقر است را به شدت دامن زده است و مسلم است که جنایت اخیر نیز روحیه ضد جنگ و اشغال را فزونی بخشیده است.

از سوی دیگر به دنبال پخش اخبار هولناک این فاجعه، موج نوینی از خشم و نفرت و اعتراض در میان توده های تحت ستم افغانستان علیه اشغالگران امپریالیست در این سرزمین بالا گرفت و حکومت وابسته کرزی و همچنین پارلمان عروسکی این کشور نیز در هراس از انفجار خشم مردم افغانستان در هماهنگی با مقامات امریکائی و نسبت دادن همه آن جنایت به یک "سرباز جانی"، خواستار "محاکمه" او در افغانستان شده اند. اما جالب توجه است که حتی مرکب چنین درخواستی هنوز خشک نشده بود که مقامات امریکائی گروهیان "رابرت بیلز" یعنی فردی که ادعا شد تنها "عامل" کشتار اخیر بود را سریعاً از افغانستان خارج و به همراه خانواده اش به یک پایگاه ارتش، در خاک امریکا منتقل کردند؛ و به این وسیله با وعده "محاکمه"، وی را از آتش خشم مردم افغانستان دور ساختند. البته همگان می دانند که حتی اگر این فرد به طور علنی و واقعی هم محاکمه شود، تا زمانی که نیروهای امپریالیستی در آن کشور حضور دارند، این محاکمه به معنی عدم تکرار جنایت هائی نظیر آن، در افغانستان نخواهد بود. در عین حال، این امر به هیچ وجه از درجه ننگ و رذالت این جنایت و همه قساوت های ارتش اشغالگری که این گروهیان ۱۱ سال از عمرش را در عراق و افغانستان صرف خدمت به آن و سرکوب و کشتار مردم بیگناه کرده، کم نخواهد کرد.

علاوه بر کشتار مردم افغانستان در صحنه های جنگ در طول ۱۰ سال اخیر، بنا به گزارشات منتشره در طول این مدت؛ نیروهای اشغالگر حداقل در ۲۰۰ مورد، نیروهای غیر نظامی و بی دفاع را مورد حمله و قتل قرار داده اند. مسلم است که چنین جنایاتی با مخالفت مردم افغانستان و با عکس العمل های مبارزاتی آنان مواجه است و این تضاد جز با خروج نیروهای امپریالیستی از افغانستان و به دست آوردن حق تعیین سرنوشت آزادانه و در یک محیط

دموکراتیک از طرف خود مردم این دیار حل شدنی نیست. به همین خاطر است که می بینیم هر روز حادثه جنایت بار جدیدی در افغانستان به وجود می آید؛ و می بینیم که بروز چنین جنایاتی و ابعاد حملات و رفتار وحشیانه نیروهای امریکائی و انگلیسی علیه مردم، در ماه های اخیر افزایش قابل ملاحظه ای پیدا کرده است. به طور مثال در اوایل جنوری، دو سرباز ارتش بریتانیا در یک اقدام رذیله و وحشتناک، پس از سوء استفاده جنسی و تجاوز به دو کودک ۱۰ ساله دختر و پسر، از کارهای پست و ننگ آلود خود فلم برداری کرده و آن را به همقطاران شان نشان دادند. مدتی پس از آن، چند سرباز امریکائی فلمی را در یوتیوب به نمایش گذاردند که آن ها را در هنگام ادرار بر روی چند جسد که ادعا شده بود از نیروهای طالبان بوده اند، نشان می داد. در نمونه ای دیگر، سربازان امریکائی با اقدام به جمع آوری ده ها جلد کتاب قرآن که از زندانیان بازداشتگاه "بگرام" ضبط کرده بودند و سوزاندن آنان، خشم و نفرت مردم محل را برانگیختند. این اعتراضات منجر به تظاهرات بر علیه اشغالگران، با شعار "مرگ بر امریکا" شد. در این تظاهرات هم نیروهای جنایتکار به سوی جمعیتی که تحت عنوان مقابله با توهین به اعتقادات مذهبی شان در مقابل پایگاه نظامیان امریکائی تظاهرات می کردند، آتش گشوده و به جای مجازات خاطیان، با شلیک گلوله های پلاستیکی و واقعی حدود ۱۵۰ تن از تظاهر کنندگان رازخمی کردند. اینها، تنها چند نمونه از اقدامات جنایتکارانه ارتش امریکا در افغانستان است که توسط مطبوعات و افکار عمومی گزارش شده اند. بنا به گزارشات برخی از فعالان ضد اشغال و حقوق بشر در افغانستان، جنایاتی نظیر هدف قرار دادن عمدی نیروهای غیر نظامی در مناطق تحت کنترل ارتش امریکا، کشتن کودکان و "شرط بندی" بر سر چگونگی آن، اعمال شکنجه های وحشیانه بر اسرا در زندان های نیروهای اشغالگر، تجاوز، "قطع اعضای بدن" و من جمله "انگشتان" قربانیان و رد و بدل شدن آن در بین سربازان مزدور و جنایاتی هستند که توسط ارتش اشغالگر امریکا و متحدینش به طور روزمره علیه مردم محروم افغانستان اتفاق می افتد که تجاوز به زنان روستائی و کشتار ۱۶ تن از کودکان و زنان و مردان "پنجوائی" تنها یکی از آخرین این جنایات می باشد.

جنایت اخیر سربازان ارتش امریکا در افغانستان، بار دیگر ماهیت جنگ جاری در افغانستان و ادعاهای دروغین توجیه کننده این اشغالگری وحشیانه را هر چه واضح تر در مقابل مردم به نمایش می گذارد. هر انسان آزادیخواه و با وجدانی که نخواهد چشمان خود را بر روی واقعیت ببندد، با مشاهده جنایات روزمره علیه مردم افغانستان و کمی تعمق در مورد دلایل تداوم این ددمنشی های آشکار، خواهد فهمید که جنگ در افغانستان و اشغال این کشور و نابود کردن حیات و معاش توده های رنجیده افغان به خاطر ادعاهای پوچ "مبارزه با تروریسم"، "دفاع از حقوق بشر" و "برقراری دموکراسی" و... در افغانستان نیست. این جنگ و حضور نظامی مستقیم در افغانستان جدا از پیشبرد خطوط ستراتیژیک امریکا و قدرت های غربی، چرخ های اقتصاد جنگی در کشورهای غربی را می چرخاند و در شرایط بحران اقتصادی کنونی نه تنها متضمن میلیاردها دلار سود برای کمپانی های اسلحه سازی و انحصارات نظامی است بلکه منافع گسترده سیاسی را برای دولت های امپریالیستی به قیمت قتل و غارت و سرکوب و کشتار خلق های تحت ستم بر آورده می کند. اشغالگران، مدعی دفاع از حقوق بشر و دموکراسی و آماده کردن شرایط تحقق آن ها در افغانستان هستند ولی ماهیت ارتش های اشغالگر در افغانستان و سیاست ها و عملکردهای دولت های اشغالگر، به روشنی نشان می دهد که آن ها نیروهای جنایتکار بوده و مظهر برجسته نقض حقوق بدیهی مردم افغانستان می باشند، نیرو هائی که خود گرداننده داروخته های تروریست، و بزرگترین ناقضان دموکراسی در افغانستان هستند. جنگ و نقشه های جنگی که در این کشور و سایر نقاط منطقه در جریان است، نه برای آزادی و دموکراسی بلکه برای گسترش و تحکیم سلطه امپریالیستی بر جان و مال و حیات کارگران و خلق های تحت ستم

منطقه و به عقب راندن مواضع سایر رقبای غارت گر سازمان دهندگان این جنگ، بر پا شده و جریان دارد. چرخ های ماشین جنگ ضد خلقی بدون خونریزی و اعمال دائم جنایت و وحشی گری نمی چرخد. آن چه با قتل عام مردم ستمدیده "پنجوایی" قندهار توسط سربازان امریکائی اتفاق افتاد، تنها یک نمونه در اثبات چنین واقعیتی است.

امروز، خون ریخته شده کودکان و زنان و مردان به گلوله بسته شده در افغانستان رسوائی عظیمی است برای تمام مرتجعین و نیروهای وابسته و سازشکارانی که امپریالیسم را "ناجی" مردم تحت ستم و به ارمغان آورنده "دمکراسی" و "حقوق بشر" جا زده و مدل افغانستان و عراق و لیبیا را برای کشورهای تحت سلطه دیگر و از جمله ایران پیشنهاد می کنند!! همانهایی که با تکیه بر جنایات رژیم وابسته به امپریالیسم سوریه و یا جمهوری اسلامی، از احتمال حمله امپریالیسم به این کشور ها شاد شده و برای چنین یورش کف می زنند؛ آن ها که عملاً برای این نیروی اهریمنی جاده صاف می کنند، و در راستای پیشبرد سیاست های جنگی امپریالیست ها در آلترناتیو سازی های آن ها شرکت می کنند. همچنین، جنایت های امپریالیسم در افغانستان و اخیراً در قندهار، لکه ننگ دیگری بر پیشانی نیروهای است که با توسل به عملکرد های ضد خلقی دارودسته های ارتجاعی و امپریالیست ساخته ای نظیر طالبان و القاعده و تحت لوای مخالفت با "بنیاد گرایی اسلامی"، از سیاست های ضد خلقی و تجاوزکارانه امپریالیست ها زیر نام تقابل "مدرنیسم" با "ارتجاع" اسلامی، دفاع می کنند، همان ها که شعار "دست امپریالیست ها از افغانستان کوتاه" را به سخره می گیرند و آشکار و پنهان سیاست های جنگی امپریالیست ها را تأیید و با لهجه های مختلف، آن ها را ترویج می کنند.

فحایعی که امپریالیست ها هر روزه در افغانستان بار می آورند نه تنها تبلیغات ریاکارانه و دروغین آن ها را افشاء ساخته و امپریالیست ها را هر چه بیشتر رسوا می سازد در همان حال عزم کارگران و خلق های محروم منطقه را برای نابودی دشمنانشان تشدید کرده و جنبش آنان برای کسب آزادی و دمکراسی و محو سلطه امپریالیسم را تقویت خواهد کرد. واقعیت این است که آزادی با سرنیزه سربازان قدرت های امپریالیستی دست نیافتنی است و کارگران و مردم ستمدیده تنها زمانی به مطالبات خود دست خواهند یافت که خود برخاسته و به قدرت خود دشمنانشان را نابود سازند.

منبع : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۱۵۳ ، اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۰